

پرسمان

تاریخِ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران

تألیف: منصور هرنگی

سرشناسنامه	: هرنجی، منصور، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآورنده	: پرسمان تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران / تألیف منصور هرنجی.
مشخصات نشر	: چالوس: نشر ساحل دریا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۲۶۶-۱-۱ ریال ۲۰۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۱۳ - ۳۲۰.
موضوع	: تمدن اسلامی - تأثیر ایران
موضوع	: Islamic civilization - Iranian influences
موضوع	: تمدن اسلامی - تاریخ
موضوع	: Islamic civilization - History
موضوع	: تمدن اسلامی - پرسش ها و پاسخ ها
موضوع	: Islamic civilization - Questions and answers
هیند، منگوه	: ۱۳۹۵ پ ۴/۶۲/۵۳۲۵ DS
ردم دی دیویی	: ۹۰۹/۰۹۷۶۷۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۰۸۸۶۱



انتشارات ساحل دریا

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب	: تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران	☐
* مؤلف	: منصور هرنجی	
* ناشر	: ساحل دریا	
* نوبت چاپ	: دی / ۱۳۹۵	
* شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد	
* طرح جلد	: علی خلیلی	
* تایپ و صفحه آرای	: رضا عرفانی	
* شابک	: 978-600-95266-1-1	
* چاپ و صحافی	: نیما پایلسر	
* قیمت	: ۲۰۰۰۰۰	

نشانی ناشر: چالوس - خیابان رادیو دریا - انتهای نامجو، نوشین محله، بهار ۳ - فرعی اول

تلفن: ۵۲۲۴۸۶۸۷-۰۱۱ همراه: ۲۷۳۹-۹۹۱-۰۹۱۱

* حق چاپ برای ناشر و مؤلف محفوظ می باشد.*

فهرست اجمالی مطالب

۷	پیش‌گفتار
۱۳	فصل اول: کلیات و بررسی زمینه‌ها
۳۷	فصل دوم: تمدن اسلامی و شکوفایی آن
۷۱	فصل سوم: زمینه‌های شکل‌گیری نهضت علمی در تمدن اسلامی
۹۱	فصل چهارم: شکوفایی علوم در تمدن اسلامی
۱۲۹	فصل پنجم: مراکز و نهادهای آموزشی در تمدن اسلامی
۱۴۷	فصل ششم: نهادهای سیاسی - اجتماعی در تاریخ تمدن اسلامی
۱۵۵	فصل هفتم: هنر و جلوه‌های آن در تمدن اسلامی
۱۶۹	فصل هشتم: تأثیر تمدن اسلام بر تمدن غرب
۱۸۵	فصل نهم: علل و عوامل ضعف و انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی
۲۶۳	فصل دهم: راه بازگشت یا نوسازی تمدن اسلامی (بیداری اسلامی)
۲۸۷	فصل یازدهم: شناخت ظرفیت‌های مادی و معنوی جهان اسلام
۲۹۹	فهرست تفصیلی کتاب
۳۱۳	فهرست منابع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش گفتار

با ظهور اسلام و انتشار سریع و گسترده‌ی آن در میان اقوام و ملل و جلب و جذب فرهنگ‌های گوناگون بشری بنای عظیمی از فرهنگ و تمدن انسانی پایه‌گذاری شد که در ساختن آن امت‌ها و نژادهای مختلف و به ظاهر ناهمگونی شرکت داشتند. این حرکت پرثمر آثاری بود که پایان دادن تفرقه‌ها و جدایی‌ها و بی‌خبری‌ها که سبب رکود، جمود، سستی و ایستایی در جوامع بسته‌ی آن روزگاران بود.

دین اسلام با دستمایه‌های غنی و سازنده‌ای که از چشمه‌ی وحی منشأ می‌گرفت ارزش‌های جدید و ملاک‌های نویی را مطرح ساخت و حصارهای خودبینی و لاک‌های خودخواهی را شکست و ملت‌های مختلف را که خود را زندانی این حصارها کرده بودند آزاد ساخت و تمدن‌های گوناگونی را که هر کدام جداگانه به حیات خود ادامه می‌دادند یکجا جمع نمود و تجربیات و سیرات‌های بشری را به هم پیوند داد.

دین اسلام، در حالی که به سرعت پیش می‌رفت و در جهان شناخته شده‌ی آن روز سایه می‌گسترده، تمدن‌های هندی، ایرانی، رومی، یونانی، مصری، عربی و حتی چینی را که هر کدام وارث تمدن‌های متعددی بودند گرد هم آورد و با حذف جنبه‌های منفی همه را ادغام کرد که از الحاق و الصاق آن‌ها تمدنی بزرگ با دستاوردهایی بزرگ‌تر متولد شد و در حقیقت اسلام به عنوان نقطه‌ی الحاق و واسطه‌ی وصل این همه معلومات و تجربیات، قدرت و خلاقیت، وسعت فکر و اندیشه‌ی بشری را به نمایش گذاشت.

در پرتو این دین ارجمند، دانشمند متخصص ایرانی در کنار عالم سرشناس قبطی مصری، و فیلسوف مغربی و اسپانیایی هماهنگ با متفکر شرقی و هندی کار می‌کرد و جندی‌شاپور به بیت‌الحکمه پیوند خورده و دانشگاه‌های نظامیه‌ی بغداد و نیشابور و آکادمی‌های علمی طلیطله و قرطبه و مدرسه‌های عالی بنگال و سِند و بلخ و بخارا و رصدخانه‌های عظیم مراغه و سمرقند و قاهره با فاصله‌های زمانی و مکانی که داشتند در جهتی واحد و به دنبال هدفی مشترک حرکت می‌کردند و تجربیات‌شان را در اختیار یکدیگر می‌گذاشتند. همه‌ی این‌ها به‌خاطر فرهنگ بروری اسلام و وجود زمینه‌های رشد فکری و علمی در آن است که از یک سه‌موانع رشد اندیشه‌ها و شکوفایی استعدادها را از بین می‌برد و از دیگر سو بالاترین تاجیه‌ها را از علم می‌کند و با تشویق و ترغیب فراوان مردم را به سوی آن می‌خواند.

آری همین روح نوآفرینی اسلام بود که تمدن‌های گوناگون بشری را جذب و آن‌ها را بارور ساخت. مسلمانان با الهام‌گیری از تعالیم اسلام تلاش وسیع و گسترده‌ای را در کشف و استخراج تمدن‌های مختلف و تلفیق اندیشه‌ها و مکتب‌های علمی و فکری آغاز کردند و مجموعه‌ای گرانقدر از معلومات بشری را در اختیار گرفتند و آنگاه ذیل و ابتکار خود را به‌کار انداختند و با نوآوری‌های خود سطح فرهنگ و تمدن بزرگ بشری را بالا بردند که یکی از مظاهر و نشانه‌های آن وجود کتابخانه‌های بزرگ و معتبر در جای جای بلاد اسلامی است...

به هر حال آنچه جامعه‌ی نوپای اسلامی را این چنین به حرکت درآورد، روح علمی و فرهنگی اسلام بود که محیط مساعدی برای خیزش‌های علمی به‌وجود آورد و با ایجاد تحولات عظیم و بنیادی مسلمین را به فعالیت و کوشش همه‌جانبه وادار کرد، به‌طوری که از یک سو کتاب‌های علمی دنیا به هر زبانی که بود جمع‌آوری و به زبان عربی ترجمه می‌شد و از سویی به کمک ابزار و ادوات علمی اکتشافات و اختراعات جدیدی به دست می‌آمد، و باز از سوی دیگر در اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و انجام امور اجرایی روش‌های جدیدی تجربه می‌شد و از طرفی مکتب‌های فکری و فلسفی گوناگونی که وارد جامعه اسلامی شده بود

نقد و تحلیل می‌شد. همه جا تلاش بود و حرکت، همه جا مدرسه بود و مراکز علمی و به راستی که هنگامه‌ای بود.^۱

از شاخصه‌های اساسی دین اسلام با سایر ادیان، پیشرفت سریع این دین به اقصای نقاط جهان می‌باشد. کسی که با بال اندیشه در فضای تاریخ اسلام به پرواز درآید و جغرافیای سرزمین‌های اسلامی را نگاه کند، به خوبی می‌بیند که مسلمانان از صحرای حجاز برخاستند و در مدتی کوتاه، از غرب تا اسپانیا و از شرق تا آسیای سوی، جبال ایندوس پیش‌روی نمودند؛ از مراکش تا زنگبار، از سیرالئون تا سیریه و چین، و از بوسنی تا گینه‌ی جدید به نام مسلمانان رقم خورد و پرچم افتخار آفرین اسلام در بخش عظیمی از جهان به اهتزاز درآمد^۲ و فرهنگ و علوم در آن مختلف گسترش یافت و انشعاب علوم و فنون و صنایع پی‌ریزی شد. هر نفس دیدن این تصویر، پیشرفت اعجاب‌انگیز مسلمانان را تحسین می‌کند و در جست‌وجوی باوری می‌ماند که راز این همه پیشرفت چیست؟ آنان چگونه در مدتی کوتاه این تمدن عظیم را پی‌نهادند؟ آیا پیدایش جهان‌بینی و تفکر نو در پرتو قرآن، چنین تمایلی ایجاد آورد، یا فراگیر و فطری بودن اسلام؟ آیا توجه اسلام به علم و دانش و تشویق مسلمانان به آموزش و توسعه‌ی علوم و معارف، محرک تاریخ جدید گردید، یا پابندی مسلمانان به ارزش‌های اخلاقی مانند نیکی و تقوا، دوستی و محبت به یک‌دیگر، ظالم و مظلوم نبودن، احترام‌گذاری به جان و مال و خون و ناموس، فروختن خشم، گذشت و عفو مردم، وفای به عهد و پیمان، تکیه بر خردورزی و اندیشه‌ی پاسداشت علم، عالمان و متعلمان، تشویق و ترغیب به کسب دانش و دانسته‌های آسمان و زمین، توجه به هنر و زیبایی‌های متعالی در جهان هستی و زنگی بشر و جلوه‌هایی از ارزش‌ها و اصول فرهنگی و تمدنی و... بود؟

و آیا شیوه‌ی رهبری و حضور رهبرانی مانند پیامبر ﷺ و علی بن ابیطالب (علیه السلام) قلمرو اسلام را گسترده ساخت، یا پشتیبانی نظری و علمی مردم و عوامل دیگری جز این‌ها در کار بوده است؟

نکته‌ی اساسی دیگری که در این میان قابل بررسی و پیگیری است، مسأله‌ی توقف پیشرفت مسلمانان و افول ستاره‌ی اقبال مسلمانان می‌باشد. چرا مسلمانان

۱. همان، ص ۱۳.

۲. تاریخ گسترش اسلام، توماس آرنولد، ترجمه ابوالفضل عزتی، ص ۲.

به مرور زمان به سوی رخوت، عاقبت‌طلبی و تفرقه روی آوردند و پیروی از دستورات الهی را رها کردند؟ و در نتیجه ترقی آنان متوقف گشت. چرا اقبانوس معارف و علوم مسلمانان که جهان بشری را سیراب می‌نمود، به صحرایی کم آب تبدیل گردید؟ و امت اسلامی از رهبری فکری و فرهنگی جهان برافتاد و علوم و تمدن آنان رو به زوال نهاد؟ چرا در این زمان تمدن غربی با جنگ‌های صلیبی و رفت و آمد میان شرق و غرب، انتشار سفرنامه‌ها و ترجمه‌های علوم مسلمانان و رابطه‌ای که با تمدن اسلامی سیسل و اندلس برقرار کرد، پرچم رهبری جهان را به دست گرفت و به واسطه‌ی سلطه‌گری، استعمار و غارت و توطئه‌های مزورانه، بخش گسترده‌ای از جهان را مستخر خویش ساخت و مسلمانان زمانی از خواب چند قرنی بیدار شدند که بیشتر کشورهای اسلامی به استیلای بیگانگان درآمده و فرهنگ و تمدن آنان در معرض تهدید و تهاجم دشمنان قرار گرفت؟^۱

چرا اکنون به عتسی جغرافیایی نگاه می‌کنیم سرزمین‌هایی مثل اسپانیا و بخشی از فرانسه از اطلال تاریخ اسلام به کلی حذف شده و به جای مساجد، کلیسا سر بلند کرده و به جای صوت قرآن و اذان، صدای ناقوس به گوش می‌رسد. و هم‌اینک سرزمین فلسطین، فساد و خونریزی صهیونیسم و یا سرزمین‌های دیگر اسلامی مورد تاز گروه‌های تکفیری است. مسلمانان جهان لباس عزت را افکنده و رخت عزلت را تن کرده‌اند، بیگانگان بر آنان تدبیر می‌کنند و سرنوشت‌شان در مراکز سرمایه‌داری با قطب‌های شرق و غرب، رقم می‌خورد، مال و ثروت انبوه‌شان به غارت می‌رود و آتش جنگ، کشتار، اختلاف، وحدت و صفای‌شان را سوزانده است؟

باید از خود پرسیم که چرا پیشرفت پرشتاب ما به جموده رکود گرایید؟ چرا ماشین مسلمانان از حرکت باز ایستاد؟ آیا گرایشات جاهلانه عوام‌گرایی مسلمانان، تحریف و توجیه معارف دینی به دست برخی از آنان چنین رکودی پدید آورد یا زمامداران خودسری همچون امویان، عباسیان و...؟

آیا برداشت‌های غلط و سلیقه‌ای از مفاهیم کلیدی تعالیم دینی عامل انحطاط شد، یا ثروت‌اندوزی، رفاه‌زدگی و دنیاگرایی مسلمانان؟ آیا استعمار خارجی و اعمال نفوذ فکری و فرهنگی بیگانگان، جوامع اسلامی را به پرتگاه سقوط کشاند

یا استبداد و استکبار داخلی و حرکت‌های نظامی و زورمداری حاکمان؟ خلاصه این‌که عوامل پیشرفت و انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی را در چه چیزهایی باید جستجو کرد؟

حال باید دید آیا راهی برای بازگشت به تمدن گذشته وجود دارد؟ آیا می‌توان به شکوه و عظمت سده‌های نخستین اسلام دست یافت و تمدن اسلامی را از نو ساخت؟ و سؤال اساسی ما این است که: «چه باید کرد؟»

برای ما که میراث‌دار فرهنگ و تمدنی با این عظمت، غنا و گستردگی هستیم بررسی زیربنا، ابعاد مختلف آن و بازنگری آنچه طی قرن‌ها به این ملت گذشته است از ضرورت‌ها، اساسی است. خصوصاً برای ما ایرانی‌ها که سهم اساسی و مهمی در این مسیر داشته‌ایم، اساسی‌تر می‌باشد. ایرانی‌ها در طول تاریخ اسلامی خود قافله‌سالار و پیدان این حرکت عظیم بوده است، به گونه‌ای که ابن‌خلدون با شگفتی اظهار می‌دارد که در مآل اسلام بیشتر دانشمندان چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی از ایرانیان و عجم‌ها بوده‌اند و اضافه می‌کند که حتی بیشتر صاحب‌نظران در علم نحو و دستور زبان عربی نیز از ایرانیان هستند، مانند سیبویه، فارسی و زجاج... و آنگاه می‌گوید: «به راستی که ایرانیان درستی این سخن پیامبر را ثابت کردند که فرمود: اگر علم در آسمان‌ها باشد، مردانی از فارس به آن دست می‌یابند.»^۱

آری، برای ما که روزگاری از پیشاهنگان این راه بوده‌ایم لازم است که به خود آیین و بدانیم که؛ چه بودیم، کجا بودیم و چه داریم، ما مجبور نشویم آنچه را که خود داشته‌ایم ز بیگانه تمنا کنیم و گوهر خود را از گم‌شدگان لب دریا بجویم.

ما در این مجموعه می‌خواهیم معنویت، نورانیت و پویندگی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام را به معرض نمایش بگذاریم تا چهره‌ی این آیین پاک و تمدن درخشان آن چهره‌اش را بنمایاند. باید در پی راهکارهای عملی و اصولی بود و برای وصول به جایگاه پیشین مسلمانان چاره‌ای اندیشید.

کتاب حاضر «پرسمان تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» است که با داستان پرتوان مسلمانان جان گرفت و با تدابیر متفکران مسلمان بالنده گردید و در سایه سار معارف ناب آن، دستاوردهای علمی خود را در طی قرون متمادی برای

ملل مظلوم جهان به ارمغان آورد و با سرعت وصف‌ناپذیری توانست سرزمین‌های غیراسلامی را نیز تسخیر کند. اگر غیرمسلمان آغوش خود را بر روی اسلام گشودند را باید در پیام عدالت‌خواهی اسلام دانست که مثل بارانی تشنگان حق و عدالت را سیراب کرده و این اسلام به‌عنوان یک نظام حاکم نه فقط بر تن‌ها، بلکه بر جان‌ها نیز حکومت داشت.

مجموعه‌ی حاضر حاصل بیش از دو دهه تدریس در دانشگاه‌های منطقه‌ی غرب مازندران خصوصاً «آیندگان» و «شفق» در چارچوب سرفصل‌های مصوب سیاست‌گران رسی جهت درس تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در دانشگاه‌ها به ظرفیت در واحد درسی در قالب «پرسمان» تدوین گردیده است. جا دارد از همه‌ی اندیشمندی که این اثر خوشه‌چینی از آثار گرانبهای آنان خصوصاً کتاب‌های چاپ شده‌ی نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها و دیگران بوده است، تشکر نمایم و از خالق هستی عاقبت به خیری را برای آن عزیزان آرزومندم.

ولسلام

منصور هرنجی

۱۳ آبان ۱۳۹۹